

به استقبال اول ماه مه برویم

مهران محبی، صفحه ۲



بحثی در ادامه یادداشت دو فعال کارگری

شاغل و بازنشسته اتحاد اتحاد، شهلا دانشفر، صفحه ۳

اول مه، جشن توده های عظیم مردم

یاشار سهندی، صفحه ۸

دهمین هفته سه شبه های اعتراض علیه اعدام

شهلا دانشفر، صفحه ۱۱

مهاجرت و سودای زندگی بهتر

کارگر کارگاهی - حمید دائمی، صفحه ۹

رکوردشکنی دلار، شکستن کمر مردم - کیوان جاوید

کیوان جاوید، صفحه ۱۲

تجمعات بازنشستگان فولاد و تامین اجتماعی و اعتراضات کشاورزان اصفهان و اخباری دیگر

بازنشستگان سراسر کشور به تجمع روز ۲۶ فروردین فراخوان داده اند، صفحه ۴

ادامه اعتراضات کارگران رسمی عملیاتی در شرکت ملی حفاری ایران

صفحه ۶

تجمع بازنشستگان مخابرات در چند شهر، پرستاران در شیراز و لامرد و کشاورزان در اصفهان

صفحه ۱۱

راهپیمایی کشاورزان شرق اصفهان، تجمع کارگران رسمی نفت مرکزی و شهرداری کوت عبدالله

اهواز

صفحه ۱۲

کارگر کمونیست

درباره مسائل جنبش کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهلا دانشفر

shahla.daneshfar2@gmail.com

۸۲۶

۲۰ فروردین ۱۴۰۳

۸ آپریل ۲۰۲۴



دوشنبه ها منتشر میشود

کارگران در هفته ای که

گذشت

تنظیم: کارگر کمونیست

صفحه ۵

از خوزستان خبر میرسد

صفحه ۷

از کارگران و معلمان زندانی

وسیعاً حمایت کنیم

اخباری از کارگران زندانی و

کارزارها، صفحه ۱۰

برگرفته از مدیای اجتماعی

کارگر کمونیست

مسئولیت مطالب با نویسندگان
انهاست. درج مقالات در کارگر
کمونیست لزوماً به معنی تأیید
مضمون آنها از جانب نشریه نیست



پایان بخشیدن به غم، اندوه و تباهی و ناامیدی، جشنهای به پیشواز زندگی، آزادی و شادی برگزار کردند. این جشنها از نظر گستردگی و عمومیت یافتگی بی سابقه بودند و نمایشی از عزم و اراده عمومی برای زیر و رو کردن دنیای جهانی و بر پائی دنیائی مدرن، انسانی و بهتر بود.

جشنهای اخیر یک تحول مهم در مسیر مبارزاتی طبقه کارگر و عموم مردم ایجاد کردند. توان مبارزات توه ای را یک پله بالاتر بردند و اکنون برای ما کارگران، بازنشستگان، معلمان و پرستاران و.... که در حلقه حمایت توده ای و سراسری قرار گرفته ایم، شرایط مساعدی برای برداشتن گامهای عملی جدیدتری مهیا شده است.

بنابر این از همین حالا لازم است که به استقبال اول ماه می روز جهانی کارگر برویم و خواست طبقه کارگر و همه مردم خواهان رفاه، آزادی، خوشبختی و شادی که در قطعنامه ها و بیانیه های هر ساله به مناسبت روز جهانی کارگر بر آنها تأکید کرده ایم را یادآوری کنیم.

از همین حالا لازم است تا در اعتصابات و تجمعات اعتراضی کارگران، بازنشستگان و معلمان و پرستاران همانطور که بازنشستگان کرمانشاه، شوش، هفت تپه و کرخه در تجمعاتشان روز جهانی زن را گرامی داشتند و به مناسبت آن سخنرانی کردند، از اهمیت روز جهانی کارگر صحبت کنیم و همه بخشهای طبقه کارگر و عموم مردم را برای برگزاری هر چه با شکوهرتر مراسمات اول ماه می آماد کنیم.

به استقبال اول ماه مه برویم

مهران محبی

اول ماه می روز جهانی کارگر امسال، دومین روز جهانی کارگر از زمان شروع انقلاب "زن، زندگی، آزادی" است. از اول ماه می سال گذشته تا حالا بخشهای مختلف طبقه کارگر مبارزات و اعتراضات قدرتمند و هر روزه و در ابعاد وسیعتر و با کیفیتی جدیدتر علیه وضعیت موجود و سیستم مدافع آن به انجام رسانده اند.

یک بخش اصلی از آن اعتراضات مربوط به کارگران پیمانکاری و ارکان ثالث و رسمی نفت و کارگران فولاد اهواز بوده و بخش دیگرش مربوط به بازنشستگان، معلمان و پرستاران بوده اند که خیابانها را به تسخیر در آورده بودند.

در یک سال گذشته مبارزات و اعتراضات شکوهمند در مراکز کار و در عرصه خیابان در اعتراض به حقوق ها و دستمزدهای ناچیز، بیمه های نا کارآمد و نا کافی، حضور پیمانکاری های واسطه و شرایط نامناسب کار و مرخصی و غیره، بی وقفه ادامه داشت.

همچنین سال گذشته، سال پیوند خوردن بیشتر عرصه های مبارزاتی و حمایت ها و پشتیبانی ها از یکدیگر و از زندانیان سیاسی و زندانیان محکوم به اعدام بود. نمونه برجسته این عرصه، اعتراض به اعدام و احکام اعدام بازنشستگان کرمانشاه در روز ۹ بهمن ۱۴۰۲، روز اعتراضی سه شنبه ها به دنبال اعدام محمد قبادلو و فرهاد سلیمی زندانیان سیاسی و عقیدتی بود که رو به حکومت شعار "ما به خونخواهی زندگی آمده ایم، شما زندگی را کشته اید" سر دادند.

علاوه بر این اقدام سیاسی بازنشستگان کرمانشاه، در روز ۲۰ اسفند نیز مجدداً همین بازنشستگان کرمانشاه همزمان با بازنشستگان شوش و هفت تپه و کرخه در تجمعات خود روز جهانی زن را گرامی داشته و افرادی از بازنشستگان در مورد تاریخچه و اهمیت آن سخنرانی کردند.

و سرانجام در بعد سراسری و عمومی در آخرین روزهای سال گذشته همه مردم برای

حمله به کارگران اخراجی گروه ملی فولاد و اولتیماتوم کارگران - شهلا دانشفر



روز هجده فروردین شماری از کارگران گروه ملی فولاد اهواز که در اعتراض به اخراجشان قصد برپایی چادر و تحصن مقابل شرکت را داشتند، به دستور بنی نغمه رئیس حراست و مزدورانش مورد حمله وحشیانه قرار گرفتند. حمله ای با همدستی علی محمدی مدیرعامل شرکت، موسوی لاری پشتیبان او، بانک ملی، امام جمعه و استاندار خوزستان.

این کارگران به خاطر اعتراضات اخیر قدرتمند در این مجتمع سه هزارنفره که خیابانهای اهواز را به لرزه در آورد، از ابتدای امسال اخراج شده اند. کارگران گروه ملی در پیامی خطاری با اعلام اینکه در این شرکت جایی برای محمدی، خدا رحمی، نصیر نیا، بنی نغمه و پاژنگی نیست، بر اخراج مدیران و حراستی های فاسد تأکید دارند.

کانال صدای مستقل کارگران گروه ملی فولاد در اطلاعیه ای تحت عنوان "حمله گستاخانه به کارگران اخراجی گروه ملی فولاد بی پاسخ نخواهد ماند" ضمن گزارش خبر بر حمایت قاطع خود از کارگران اخراجی تأکید کرده و می نویسد: "ما به کرات از همدستی حراست و مدیر فاسدش با غارتگران در گروه ملی فولاد سخن گفتیم. می دانستیم و می دانیم فلسفه و ماهیت وجودی واحد حراست، تنها نگرانی از منافع قبیله ای چپاولگران و سرکوب کارگران معترض است. مزدوران و لات و اوباش های حراستی که در لباس کارگر مقابل کارگر قرار گرفته اند بدانند، گستاخی و بی شرمی امروز بی پاسخ نمی ماند". از جمله کارگران به برگزاری تجمعات اعتراضی در حمایت از همکاران اخراجی خود تأکید کرده اند.

کارگران فولاد قبلاً نیز در سوم فروردین در اطلاعیه ای از اخراج شماری از

همکارانشان در روزهای پایانی ۱۴۰۲ خبر داده و با تأکید اینکه اخراج هر کارگر تعرض به جنیش کارگری است، اعلام کرده بودند که با اخراجها با تمام توان مقابله خواهند کرد و کسانی که باید از این شرکت بیرون روند دزدان و فاسدانی هستند که در کمین تاراج معیشت و زندگی کارگران نشسته اند.

بدین گونه فضای فولاد اهواز این کانون داغ اعتراضات کارگری به شدت ملتهب و به طور واقعی استارت دور جدیدی از اعتراض در این شرکت زده شده است. خواست های فوری این کارگران عبارت اند از: بازگشت به کار کارگران اخراجی، پرداخت معوقه اسفند، اجرای کامل همسان سازی که ده میلیون بر حقوقها می افزاید، لغو و توقف احکام اخراج.

کارگران فولاد همچنین به تبعید تعدادی از همکارانشان به محلی در استادیوم کوثر معترض اند. یک نقطه قدرت کارگران فولاد اتکا به مجمع عمومی و عمل متحد است. از مبارزات این کارگران وسیعاً حمایت کنیم. (مندرج در ژورنال شماره ۶۹۸)

بحثی در ادامه یادداشت دو فعال کارگری

شاغل و بازنشسته اتحاد

شهلا دانشفر



جمهوری اسلامی از اعتراضاتی با این قدرت و با چنین موقعیتی هراس دارد. به این اعتبار مبارزات بازنشستگان هم به لحاظ خواستهای برحق که دارند که اساسا خواستهای سراسری مردم است و هم به لحاظ مکان مهمی که در فضای سیاسی جامعه دارد، شایسته وسیعترین حمایتها است.

با این مقدمه من هم تاکیدم بر اتحاد کارگران شاغل و بازنشسته و ایجاد یک صف متحد کارگری در مبارزه در دفاع از معیشت و منزلت انسانی است. و این چیزی است که ضرورت آن هر روز بیشتر به ملکه ذهن کارگران و کل جامعه تبدیل شده است. از جمله سال ۱۴۰۲ سال فریاد شعار "شاغل و بازنشسته اتحاد اتحاد" بود. این شعار در کنار شعار "لشکری کشوری، تامین اجتماعی اتحاد اتحاد" در برهه‌های اعتراضی بازنشستگان نقش بست. بخصوص این شعارها در تجمعات آنان در اهواز و کرمانشاه به برهه‌های ثابت تجمعات تبدیل شده است. همچنین این شعارها در فریادهای اعتراضی تجمعات بازنشستگان در شهرهای بسیاری شنیده میشود. بدین گونه بازنشستگان پرچم اتحاد طبقاتی کارگری در سطح جامعه را برافراشته اند. از جمله خود آنان مبتکر شکل دادن به این اتحاد بوده و فراخوان به تجمعات مشترک بخش های مختلف بازنشستگان در مقاطع مختلفی از سال گذشته گامی در این راستا بوده است. در این تجمعات در جاهایی کارگران شاغل نیز شرکت داشتند و در مقاطعی شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان به حمایت معلمان شاغل از تجمعات معلمان بازنشسته فراخوان داد. بعد هم دیدیم که فریاد شعار "شاغل و بازنشسته اتحاد، اتحاد" در نفت بلند شد و در چندین شهر ما شاهد تجمعات مشترک کارگران شاغل رسمی و بازنشستگان در نفت در اعتراض به دست اندازی به صندوق بازنشستگی و اختلاسها و دزدی ها بودیم. بدین ترتیب در سال گذشته بطور واقعی زمینه های اصلی حرکت برای شکل دادن به اتحاد کارگران شاغل و بازنشسته در سطح جامعه گذاشته شد. سال ۱۴۰۳ میتواند سال تحقق عملی این اتحاد و رفتن بسوی اعتراضات گسترده و سراسری باشد. همانطور که در یادداشت دو دوست کارگر ما مورد اشاره قرار گرفته اتحاد شاغل و بازنشسته یک حلقه کلیدی در قدرت گیری مبارزات کارگری در سطح جامعه است. بطور مثال الان اعتراض به مصوبه جنایتکارانه مزدی شورای عالی کار، اعتراض به دستمزدهای ناچیز و فقر و بی تامينی مطلق، و مبارزه برای خواست افزایش فوری دستمزدها یک محور مهم اعتراضات کارگری در سطح جامعه است. و همه میدانیم که حداقل دستمزد مبنایی برای تعیین سایر سطوح مزدی در سطح جامعه و از جمله بازنشستگان است. از همین رو می بینیم که حکومت با تقسیم بندی مزد بگیران، به حداقل بگیر و سایر سطوح و غیره

دو فعال کارگری از ایران طی یادداشتی در مورد موضوع مهم ضرورت اتحاد کارگران شاغل و بازنشستگان اظهار نظر کرده اند. ضمن تشکر از این دو دوست کارگر خواننده کارگر کمونیست و تایید تاکیدات مهمشان، نکات مختصری دارم که مینویسم.

مهدی از ایران مینویسد: "بنظر شما آیا زمان آن نرسیده که نیروهایمان را یکی کنیم و به این فریبکاریها پایان بدهیم؟ نکته اصلی همین مسئله ی متحد شدن است، که آرزوی همه ی بازنشستگان است. در واقع ما بازنشستگان فقط کف خیابان را داریم و اینجا ضرورت اتحاد با شاغلین صد چندان می شود. با اتحاد و پشتیبانی مراکز بزرگ تولیدی نظیر پالایشگاهها، فولاد سازی ها، هفت تپه، خود رو سازی ها ووووو... میتوان براحتی این توازن قوا را بنفع کل این جنبش تغییر داد و گوشه های کر این مفتخوران را مجبور به شنیدن حرفها و خواسته هایمان و تن دادن به حقوق بحقمان بکنند. با آرزوی رسیدن به یک پارچگی واتحاد در صفوفمان برای رسیدن به معیشت، منزلت و کرامت انسانی"

آرمان دوست دیگر ما نیز در این رابطه مینویسد: "من تقاضا دارم در در رابطه با اتحاد شاغلین با بازنشستگان با توجه به موقعیت و جایگاه کارگران شاغل در تولید که ابزار برنده تری در دست دارند، بیشتر در مورد اتحاد کارگران شاغل با بازنشستگان تاکید کنید. متأسفانه پشتیبانی آنچنانی از بازنشستگان بعمل نمی آید. بازنشستگان فقط کف خیابان را دارند و حکومت خیلی احساس خطر نمی کند و با اهمیت ندادن به این اعتراضات می کوشد اعتراضات ما را به فرسودگی بکشاند. اما با پشتیبانی عملی شاغلین از تجمعات بازنشستگان میشود این کوه را جا به جا کرد. شهلا دانشفر: نکات درستی مورد تاکید این دوستان است. بازنشستگان با شعار "فقط کف خیابان بدست میاد حقمون"، بر تداوم اعتراضاتشان برای پیگیری مطالبات بر حق خود تاکید کرده و در عین حال هرگونه زد و بند از بالا و سردواندن با وعده های پوچ را عقب میزنند. این شعار برعمل مستقیم و قدرت مبارزه خود بازنشستگان برای متحقق شدن خواسته هایشان تاکید دارد. اما بازنشستگان نه فقط کف خیابان بلکه تجربیات ارزنده ای از اعتراض را دارند که درسهای آن آموختنی است. نقطه قوت دیگر بازنشستگان موقعیت مبارزاتی ای است که در جریان سالها مبارزه در سطح جامعه کسب کرده اند. بدین گونه بازنشستگان یک بخش رزمنده جامعه هستند که با تجمعات پیوسته و قدرتمندشان تا هم اکنون تاثیر مهمی بر فضای سیاسی شهرها و بهبود توازن قوا به نفع اعتراضات بخش های دیگر کارگری داشته اند. بازنشستگان با اعتراضاتشان سنگر مهمی علیه تعرضات حکومت به زندگی و معیشت کارگران و کل جامعه بوده و با فریاد شعار "اتحاد اتحاد علیه فقر و فساد"، "درد ما درد شماست مردم به ما ملحق شوید" کل جامعه را به اعتراض گسترده و متحد فرا می خوانند. و این شعارها مستقیماً به شعار "فقر فساد گرونی، میریم تا سرنگونی" که یک شعار مهم انقلاب بود ربط دارد.

بازنشستگان همچنین با شعار "نه تهدید، نه زندان، دیگر اثر ندارد" به سرکوبگریهای حکومت که با گسترش اعدامها هدف عقب زدن اعتراضات مردمی را دنبال میکند، پاسخ محکمی دادند. در عین حال بازنشستگان نقش مهمی در جلو آوردن خواستهای سراسری ای چون درمان رایگان، تحصیل رایگان با فریاد "معیشت، منزلت، حق مسلم ماست داشته اند.

از همین رو به باور من مبارزات بازنشستگان خاری در چشم حکومت است و

تجمعات بازنشستگان فولاد و تامین اجتماعی در چند شهر و اعتراضات کشاورزان اصفهان و اخباری دیگر بازنشستگان سراسر کشور به تجمع روز ۲۶ فروردین فراخوان داده اند



نگاهبانی از منافع قبیله ای چپاولگران و سرکوب کارگران معترض است. مزدوران و لات و اوباش های حراستی که در لباس کارگر مقابل کارگر قرار گرفته اند بدانند، گستاخی و بی شرمی امروز بی پاسخ نمی ماند.

بدینگونه فضای مجتمع سه هزار نفره فولاد این کانون داغ اعتراضات کارگران بشدت ملتهب است. کارگران خواستار بازگشت به کار همکاران خود و پاسخگویی به مطالبات اعلام شده شان هستند. در این روز همچنین کارگران فولاد پارس هفت تپه دست به تجمع اعتراضی زدند. بنا بر خبرها بدنال اعتراض کارگران در این شرکت به ایمن سازی این مکان که حتی اداره کار نیز آنرا تایید کرده بود، در سال جدید مسئولین شرکت به ۱۲ نفر از کارگران اجازه ورود به شرکت را ندادند. خواست کارگران بازگشت به کار کارگران اخراجی است.

یک خبر اعتراضی دیگر مربوط به این روز تجمع کارکنان استانداری ایلام در محل استانداری در اعتراض به وضعیت نامناسب حقوق و معیشت شان است.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۹ فروردین ۱۴۰۳، ۷ آوریل ۲۰۲۴

از صفحه ۳

بحثی در ادامه ...

تلاش میکند در صف جنبش برای خواست افزایش دستمزدها تفرقه ایجاد کند. تقابل با این تعرضات و با این دسیسه ها اعتراضی متحدانه را می طلبد. همانطور که اشاره کردم بازنشستگان با مبارزاتشان در سال گذشته حقیقتا حماسه آفریدند و نقش مهمی در تحرک سیاسی کل جامعه و تغییر توازن قوا به نفع اعتراضات کارگری در محیط های کار داشته و دارند. کارگران شاغل نیز با پیوستن به تجمعات اعتراضی کارگران بازنشسته میتوانند نقش بسیار مهمی در قدرنگیری بیشتر این مبارزات علیه فقر، بی تأمین، اختلاسها و سرکوبها، داشته باشند. از همین آغاز سال ۱۴۰۳ به استقبال چنین اعتراضات مشترکی برویم.

بعلاوه در حال حاضر شاهد وجود تشکلهای مختلفی از بازنشستگان هستیم. شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان که از نمایندگان تشکلهای معلمان در شهرهای مختلف شکل گرفته است، میتواند الگوی خوبی برای سازمانیابی سراسری بازنشستگان نیز باشد. به این معنا که از نمایندگان همین تشکلهای موجود بازنشستگان، میشود شورای هماهنگی سراسری تشکلهای بازنشستگان شکل بگیرد. و به این ترتیب بتوانند با قدرت بیشتری به تدارک اعتراضات گسترده تر و سراسری تر خود بروند. آمارها از ۲۵ میلیون بازنشسته خبر میدهد و ایجاد شورای سراسری بازنشستگان میتواند چتری برای سازمانیابی این نیروی معترض بزرگ اجتماعی باشد و این اتفاق نقش مهمی در شکل گیری تجمعات سراسری بازنشستگان خواهد داشت. ضمن اینکه اتحاد شاغل و بازنشسته بستر اتحاد طبقاتی کارگری در سطح جامعه خواهد بود.

با تشکر از مهدی و آرمان دو دوست کارگری که اظهار نظر کردند و دریچه ای بر این بحث مهم گشودند.

امروز ۱۹ فروردین بازنشستگان تامین اجتماعی در اعتراض به دستمزدهای ناچیز و فقر و فساد و تبعیض ها در چند شهر تجمع و اعتراض کردند. این تجمعات در ادامه یکشنبه های اعتراضی برگزار میشود. در این روز در شهرهایی چون شوش، اراک، اهواز، کرمانشاه و دزفول تجمعات برگزار شد.

در شوش همچون قبل بازنشستگان از شهرهای هفت تپه، کرخه و شوش در کنار هم در مقابل داره کار تجمع کردند و با سر دادن سرود زیر بار ستم نمیکیم زندگی جان فدا میکنیم در ره آزادی، صدای اعتراض خود را علیه توحش و بردگی حاکم بلند کردند. برخی شعارهای بازنشستگان عبارت بودند از: "آقازاده رو گنجه، دلار شصت و پنجه"، "رئیس بی عرضه برگرد برو تو حوزه"، "تامینو غارت کردن، ما را بیچاره کردن"، و "تنگ ما تنگ ما، مخبر الدنگ ما".

در اراک زیر فشار بازنشستگان، حسینی رئیس سازمان تامین اجتماعی ناگزیر به حضور در جمع بازنشستگان شد و جمعیت معترض با شعارهای خود علیه او و دزدیها شعار دادند. در اهواز بازنشستگان با شعار "شاغل و بازنشسته اتحاد اتحاد" و بدست گرفتن بتر آن بار دیگر بر اتحاد سراسری کارگری تاکید کردند.

در کرمانشاه بازنشستگان مقابل کانون بازنشستگان تامین اجتماعی تجمع داشتند و با شعارهایی مثل "بازنشسته داد بزن / حق تو فریاد بزن"، و "فقر فساد، تورم/بلای جان مردم"، به چپاول حاکم اعتراض خود را بیان میکردند.

در این روز همچنین بازنشستگان فولاد در شهر اصفهان در اعتراض به فقر و بی تأمین و برای پیگیری مطالباتشان تجمع کرده و دست به راهپیمایی زدند. بازنشستگان فریاد میزدند: "فولادی داد بزن، حق تو فریاد بزن"، "اجرای همسان سازی بدون حقه بازی". در خاتمه این بازنشستگان فولاد با فریاد "وعده دیدار ما بیست و ششم در تهران" قرار تجمع در تهران را اعلام کردند.

تاکید کنیم که بازنشستگان تامین اجتماعی و فولاد برای ساعت ده صبح روز ۲۶ فروردین جهت پیگیری مطالباتشان فراخوان به تجمع سراسری در تهران در مقابل اداره کل کانون بازنشستگی را داده اند و از همه بازنشستگان خواسته اند که در صورت امکان در این تجمع شرکت کنند. از این فراخوان باید وسیعا حمایت کرد.

امروز نوزدهم فروردین کشاورزان در شرق اصفهان نیز در اعتراض به کاهش آب زاینده رود و مشکل بی آبی و وضع بد معیشتی خود تجمع داشتند. بنا بر خبرها کشاورزان شرق اصفهان با باز شدن رودخانه ده درصد از زمین ها را زیر کشت برده اند و به آب بسیار بیشتری نیاز دارند. به گفته کشاورزان مافیای آب از شب گذشته آب رودخانه زاینده را کاهش داده و طی ساعات آینده رودخانه زاینده رود خشک می شود و لطمه ای جدی به محصول آنها خواهد زد. در این روز همچنین کشاورزان در میدان خوراسگان همراه با تراکتورهایشان تجمع و اعتراض کرده و خواهان حلقه شدن.

خبر دیگر مربوط به حمله بیشرمانه عوامل مزدور واحد حراست شرکت گروه ملی صنعتی فولاد به کارگران اخراجی متحصن مقابل یکی از ورودی های شرکت در روز گذشته است. حکم اخراج این کارگران در روزهای پایانی سال ۱۴۰۲ و در ارتباط با اعتراضات قدرتمند کارگران فولاد اهواز صادر شده است.

صدای مستقل گروه ملی فولاد اهواز در اطلاعیه ای ضمن گزارش این خبر اولتیماتوم داده و مینویسد: "ما به کرات از همدستی حراست و مدیر فاسدش با غارتگران در گروه ملی فولاد سخن گفتیم. میدانستیم و میدانیم فلسفه و ماهیت وجودی واحد حراست، تنها



کارگران در هفته ای که گذشت

تنظیم کننده: کارگر کمونیست

دوشنبه ۲۰ فروردین

جمع بزرگی از پرستاران در شیراز در اعتراض به سطح نازل حقوقها، فشار سنگین کاری و بی پاسخ ماندن مطالباتش بار دیگر مقابل ساختمان استانداری تجمع کردند. در این رابطه پرستاران در لامرد نیز تجمع داشتند.

-کشاورزان شرق اصفهان بار دیگر در اعتراض به مشکل آب و مافیای آب و مشکلات معیشتی خود تجمع کردند.

-بازنشستگان مخابرات در ادامه اعتراضات خود، اولین در شهرهایی چون تبریز، اراک، اردبیل، مریوان، کرمانشاه، ارومیه و سنندج برپا شدند.

یکشنبه ۱۹ فروردین

-بازنشستگان تامین اجتماعی در اعتراض به دستمزدهای ناچیز و فقر و فساد و تبعیض ها در چند شهر اولین تجمع یکشنبه های اعتراضی خود در سال ۱۴۰۳ را برگزار کردند. این تجمعات در این روز در شهرهایی چون شوش، اراک، اهواز، کرمانشاه و دزفول برگزار شدند. بازنشستگان تامین اجتماعی برای ساعت ده صبح روز ۲۶ فروردین به تجمع سراسری در مقابل اداره کل کانون بازنشستگی در تهران فراخوان داده اند.

-بازنشستگان فولاد در شهر اصفهان در اعتراض به فقر و بی تامینی و برای پیگیری مطالباتشان تجمع کرده و دست به راهپیمایی زدند. بازنشستگان فریاد میزدند: "فولادی داد بز، حق تو فریاد بز"، "اجرای همسان سازی بدون حقه بازی". در خاتمه بازنشستگان فولاد در اصفهان با فریاد "وعده دیدار ما بیست و ششم در تهران" قرار تجمع در تهران را اعلام کردند.

-بازنشستگان زغال سنگ در اعتراض به وضع بد معیشتی و مطالبات پاسخ نگرفته خود تجمع کردند.

-کشاورزان در شرق اصفهان نیز در اعتراض به کاهش آب زاینده رود و مشکل بی آبی و وضع بد معیشتی خود تجمع داشتند. بنا بر خبرها کشاورزان شرق اصفهان با بازشدن رودخانه ده درصد از زمین ها زیر کشت برده اند و تا ۷۵ ام آب نیاز دارند. به گفته کشاورزان مافیای آب از شب گذشته آب رودخانه زاینده را کاهش دادند و زاینده رود در خطر خشکی فوری قرار دارد و این لطمه ای جدی به محصول آنها خواهد زد. در این روز همچنین کشاورزان در میدان خوراسگان همراه با تراکتورهایشان تجمع داشته و خواهان حجاب شدند.

شنبه ۱۸ فروردین

-عوامل مزدور واحد حراست شرکت گروه ملی صنعتی فولاد به کارگران اخراجی متحصن مقابل یکی از ورودی های شرکت دست به حمله های وحشیانه زدند. حکم اخراج این کارگران در روزهای پایانی سال ۱۴۰۲ و در ارتباط با اعتراضات قدرتمند کارگران فولاد اهواز صادر شده است. کارگران اولتیماتوم دادند که این تعرض بی پاسخ نخواهد ماند.

-کارگران فولاد پارس هفت تپه دست به تجمع اعتراضی زدند. بنا بر خبرها بدنبال اعتراض کارگران در این شرکت به ایمن سازی این مکان که حتی اداره کار نیز آنرا تایید کرده بود، در سال جدید مسئولین شرکت به 12 نفر از کارگران اجازه ورود به شرکت را ندادند. خواست کارگران بازگشت به کار کارگران اخراجی است.

-کارکنان استانداری ایلام در محل استانداری در اعتراض به وضعیت نامناسب

حقوق و معیشت شان تجمع کردند.

-کارگران اخراجی کارخانه سیمان خوزستان در اعتراض به بیکاری دست به تجمع زدند.

جمعه ۱۷ فروردین

-یک کارگر ساختمانی حین کار در ارتفاع یک ساختمان در حال ساخت در شهرستان ثلاث باباجانی سقوط کرد و مصدوم شد. سقوط از ارتفاع بالاترین رقم صدمات ناشی از کار را دارد که نشان مستقیم نا امنی محیط های کار است.

-دو کارگر در یک کارگاه صنعتی واقع در شهرک صنعتی فاروج خراسان شمالی بر اثر گازگرفتگی جان باختند. محیط های کار بخاطر نا امنی هر روز قربانی میگیرد.

پنجشنبه ۱۶ فروردین

-غارت شدگان رضایت خودروی طراوات نوین تاکستان در اعتراض به سرقت سرمایه گذاری اندکشان در مقابل ساختمان دادگستری کل کشور در تهران تجمع کرده و صدای اعتراض خود را به فقر و بی تامینی و بساط چپاولگری حاکم اعلام داشته و پیگیر مطالبات خود شدند.

چهارشنبه ۱۵ فروردین

-نیروهای دریابانی پسابندر با یورش به حور کلانی در شهرستان دشتیاری و تیراندازی به سمت سوختبران دستکم پانزده قایق و چندین خودروی سوختبر را توقیف کردند. سوختبران همچون کولبران بخشی از کارگران بیکار هستند که برای پیدا کردن لقمه نانی به کار سخت سوختبری مشغولند و همواره مورد هدف گلوله و سرکوب رژیم قرار دارند. تمامی کارگران بدون درآمد و یا کم در آمد باید از حقوق ماهانه مکفی برخوردار باشند.

سه شنبه ۱۴ فروردین

-جمعیت بزرگی از کشاورزان شرق اصفهان تجمع کرده و دست به راهپیمایی زدند و علیه مسئولین شعار دادند. این تجمع در سد ابشار در اصفهان صورت گرفت و کشاورزان به وضعیت ناجور معیشتی خود و مشکلات کشت بخاطر مافیای آب اعتراض کردند و خواست خود برای دریافت حجاب کافی را مورد تاکید قرار دادند.

-کارگران رسمی عملیاتی در شرکت ملی حفاری ایران و شاغل در نفت مرکزی در اعتراض به تعیین سقف حقوق که تعرضی به سطح دستمزد آنهاست و برای پیگیری دیگر مطالباتشان تجمع کردند. در این روز کارگران رسمی نفت در نفت مرکزی نیز با سر دادن شعار "ما میتوانیم" شبانه دست به تجمع زدند. خواستهای فوری آنها عبارتند از: حذف کامل سقف حقوق، حذف تفکیک نادرست مشاغل در مناطق عملیاتی، حذف محدودیت حقوق سنوات بازنشستگی، عودت کسورات مازاد مالیات، اجرای کامل ماده ۱۰ و پرداخت معوقات آن و عدم دست درازی به صندوق بازنشستگی نفت. -کارگران شهرداری کوت عبدالله در اهواز بخاطر تعویق پرداخت دستمزدها و وضع بد معیشتی شان تجمع کردند.

ادامه اعتراضات کارگران رسمی عملیاتی در شرکت ملی حفاری ایران



اعتراضات کارگران رسمی در شرکت های مختلف نفت ادامه دارد و از آغاز سال جدید تجمعات اعتراضی متعددی از سوی آنان انجام گرفته است. بنا بر گزارش منتشر شده از سوی شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت روز ۱۴ فروردین کارگران رسمی عملیاتی در شرکت ملی حفاری ایران و شاغل در نفت مرکزی در اعتراض به تعیین سقف حقوق که تعرضی به سطح دستمزد آنهاست و برای پیگیری دیگر مطالباتشان دست به تجمع زدند. همانطور که در اطلاعیه خبری قبلی گزارش کردیم تجمع اعتراضی کارگران رسمی نفت در نفت مرکزی با سر دادن شعار "ما میتوانیم" شبانه صورت گرفت. همچنین در روزهای پنجم و دهم فروردین کارگران رسمی در شرکت فلات قاره در لاوان و خارک تجمع داشتند. اعتراضات کارگران رسمی و مطالبات آنها سراسری است و خواسته های فوری آنها عبارتند از: حذف کامل سقف حقوق، حذف تفکیک نادرست مشاغل در مناطق عملیاتی، حذف محدودیت حق سنوات بازنشستگی، عودت کسورات مزاد مالیات، اجرای کامل ماده ۱۰ و پرداخت معوقات آن و عدم دست درازی به صندوق بازنشستگی نفت. شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت ضمن گزارش این خبر و اعلام حمایت از اعتراضات کارگران در بخش های مختلف نفت مینویسد: "خواست افزایش دستمزدها مطالبه سراسری ما کارگران شاغل در نفت است. بویژه به زودی موعد بستن قراردادهای کاری جدید ما کارگران پروژه ای پیمانی نفت فرا میرسد و باید خود را برای اعتراضی متحد بر سر مطالبه فوری سطح دستمزدها و مزدی که بتواند جوابگوی سبب معیشتی ما کارگران باشد و متناسب با رشد تورم اتومات افزایش

یابد، آماده کنیم. خواست دیگر سراسری ما حذف پیمانکاران مفتخور است و در پیشبرد این مطالبه همکاران ارکان ثالثی قدمهای مهمی برداشته اند. شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت بر اعتراض سراسری متحد برای جمع کردن بساط پیمانکاران در نفت و مقابله با هر تلاشی که بخواهد اعتراضات ما را بدنبال باند های مافیایی قرارگاه خاتم و پیمانکاران مفتخور بکشاند تاکید میکند." از اعتراضات و خواسته های کارگران نفت باید وسیعا حمایت کرد.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۶ فروردین ۱۴۰۳، ۴ آپریل ۲۰۲۴

عکسی از صحنه ای از تجمع اعتراضی بازنشستگان تامین اجتماعی در شوش



عکسی از صحنه ای از تجمع بازنشستگان تامین اجتماعی در شوش علیه فقر و گرانی و تبعیض و بی تاملی. عکسی که در مدیای اجتماعی می چرخد و در زیرش نوشته شده: عکسی عجیب و پرمعنا که ترکیبی از دردها و رنجهای یک جامعه را در معرض نمایش گذاشته، و در توضیحش آمده است:

" زباله گردی با دیدن بازنشستگان شهرستان شوش، خوزستان همراهشان میشود تا به اندازه هزاران کتاب و جلسه حرف برای گفتن داشته باشد، به هیچ شکل دیگری نمیتوان چهره زشت فقر و بی لیاقتی مدیران را اینگونه در قاب یک عکس به نمایش گذاشت، *

صدای اعدام همه مردم هستند و با فریاد "اتحاد اتحاد علیه فقر و فساد کل جامعه را به اعتراض فرا میخوانند.

* ۱۹ فروردین ۱۴۰۳، بازنشستگان شوش، کرخه، هفت_تپه مقابل اداره کار

این اتفاق ابعاد اجتماعی اعتراضات بازنشستگان را به نمایش میگذارد. بازنشستگان که

از صفحه ۵

کارگران در هفته ای که گذشت...

- با سقوط یک دکل برق فشارقوی در کردکوی، سه نفر دکل بند مصدوم شدند که یکی از آنها متاسفانه بر اثر شدت جراحات وارده جانباخت. محیط های نا امن کار هر روز قربانی میگیرد.

- رانندگان خودروهای سنگین در اعتراض به کاهش سهمیه سوخت و دریافتی هایشان و وضع بد معیشتی خود مقابل استانداری سیستان و بلوچستان تجمع کردند.

- کشاورزان "قلعه گنج" چاه دادخدا در کرمان در اعتراض به کاهش سهمیه سوخت و مشکلات معیشتی در برابر اداره "جهاد کشاورزی" تجمع کردند.





از خوزستان خبر میرسد؟

۱۰ فروردین ۱۴۰۳



کمیته سازمانده - واحد خوزستان
حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-Communist Party of Iran

اخبار هفته: کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری، واحد خوزستان

تصاویری از رقص و پایکوبی تعدادی از شهروندان بر روی پل قدیم دزفول در فضای معجازی صورت گرفته است. رئیس اداره میراث فرهنگی شهرستان دزفول در استان خوزستان از بازداشت اعضای یک تور "مختلط" گردشگری خبر داده و گفته است که این افراد با ظاهری "نامناسب" در یکی از مناطق گردشگری دزفول اقدام به رقص و پایکوبی کرده بودند. این خیر و رقص مختلط زن و مردم در نوروز و سیزده به در گوشه دیگری از به چالش کشاندن کل بساط آپارتاید جنسی حکومت اسلامی است و در سراسر کشور جریان دارد. مردم سنگر حجاب را فتح کرده اند و اکنون جداسازی زن و مرد و آپارتاید جنسی بعنوان خاکریز بعدی است که مردم در تلاش تصرف آن هستند.

- روز ۱۲ فروردین مادر دادخواه عادل کیانپور در سفری به ماهشهر (معشور) با مادر و فرزندان عباس دریس دیدار و با آنان اعلام همبستگی کرد. عادل کیانپور، زندانی سیاسی محبوس در زندان شبیان اهواز در دی ۱۴۰۰ یک هفته پس از اعتصاب غذای خود در اعتراض به عدم دسترسی به حق دادرسی عادلانه و دریافت کمک‌های پزشکی جان باخت.

- عباس دریس کارگر زندانی و از بازداشت شدگان خیزش مردمی در سال ۹۸ در خطر اعدام قرار دارد. عباس دریس بارها در دادگاه اتهامات منتسب به خود را انکار کرده و اذعان کرده که اعتراضاتش تحت شکنجه ماموران وزارت اطلاعات و سپاه پاسداران گرفته شده است. علیرغم همه اینها و با وجود رضایت خانواده مقتول، در بهمن ماه ۱۴۰۲ حکم اعدام عباس دریس توسط دیوان عالی مورد تایید قرار گرفت. قابل توجه اینست که بنا بر گزارشات عباس دریس در دو دادگاه جداگانه به احکام متفاوتی محکوم شده است. شعبه سوم دادگاه کیفری یک استان خوزستان در تاریخ ۲۲ آذر ۱۴۰۲، وی را به ۱۴ سال زندان محکوم کرد. اما دیوان عالی این حکم را ملغی و حکم اعدام وی را صادر کرد. وی از تنها شاهدان کشتار نیزار اهواز است و صدور حکم اعدام او می‌تواند به منزله ارباب و سرکوب دیگر شاهدان و معترضان باشد. حکم اعدام عباس دریس باید لغو شود و فوراً و بدون قید و شرط آزاد شود.

- گزارشات از زندان شبیان اهواز حاکی از فشارهای شدید امنیتی در زندان شبیان بر روی زندانیان است. در این زندان بیش از ۷۰ زندانی سیاسی تنها در بند ۵ زندان شبیان اهواز به سر می‌برند. این زندانیان سال‌های طولانی ای است که در زندان هستند و در اثر شرایط بد زندان و شکنجه‌هایی که بر آنها اعمال شده دچار بیماری‌های متعددی شده‌اند.

-عباس (مجاهد) کورکوری از زندانیان در بند در زندان شبیان اهواز زیر خطر اعدام قرار دارد. او در شعبه اول دادگاه انقلاب اهواز به اعدام محکوم شد و این حکم در دیوان عدالت مورد تایید و به شعبه اجرای احکام ایذه ارجاع شده است. اتهامات عباس کورکوری عبارتند از: محاربه از طریق کشیدن سلاح، افساد فی الارض از طریق تیراندازی با سلاح

-طبق گزارشات امروز ۱۷ فروردین زمین‌لرزه‌ای به بزرگی چهار و نه دهم ریشتر در ساعت ۱۲:۱۵ به وقت محلی منطقه مشراکه از توابع رامشیر در خوزستان را لرزاند. طبق اخبار زمین‌لرزه در بیشتر مناطق خوزستان از جمله اهواز، مسجدسلیمان، آبادان، ماهشهر احساس شد و هنوز جزئیاتی از خسارت‌های احتمالی اعلام نشده است. در حکومت اسلامی حوادثی طبیعی همچون سیل و زلزله بدلیل نبود زیرساخت‌های امن و محرومیت مردم از حداقل تامينات و استانداردهای زندگی، معمولاً فاجعه می‌آفریند.

-بنا بر گزارشات منتشر شده روز ۱۶ فروردین از سوی شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان سه معلم خوزستانی به اسامی پیروز نامی، سیامک صادقی چهارزی و علی کروشاتی برای ۲۶ فروردین به دادگاه انقلاب اهواز احضار شدند. این فعالین از سال ۱۴۰۰ چندین نوبت با پرونده سازی های اطلاعات سپاه بازداشت شده و هر بار با پرونده جدید قضایی مواجه شده‌اند. همچنین به رغم دستور قضایی وسایل ارتباطی آنها که در زمان بازداشت توقیف شده به آنان مسترد نشده است. تشکل های عضو شورای هماهنگی ضمن انتشار این خبر و حمایت خود از اعضای کانون صنفی معلمان خوزستان تاکید کردند که پرونده سازی‌های نهادهای امنیتی هرگز نمی‌تواند مانع تشکل یابی و اعتراضات مردم و معلمان باشد. و تا زمانی که مطالبات انسانی معترضان تامين نشود اعتراضات گسترده تری در پیش خواهد بود

- سپیده قلیان زندانی سیاسی شجاع و محبوب مردمی که در زندان نیز در دفاع از انقلاب زن زندگی آزادی و علیه سرکوب و زندان صدای آزادیخواهی است، از پانزدهم فروردین با خواست انتقال خود از زندان اوین به زندان محل سکونتش در اهواز در اعتصاب غذا بسر میبرد. از سپیده قلیان وسیعاً حمایت کنیم. او باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شود. گفتنی است به تازگی کتابی به قلم سپیده قلیان با عنوان "احضار دوال پای رسوایی با پای سیب" منتشر شده است. در این کتاب سپیده قلیان از روایت‌های زندان گفته است و خواسته است که با او در زندان نامه‌نگاری شود. بدین ترتیب او در زندان صدای رسای زندانیان است.

- روز ۱۴ فروردین کارگران شهرداری کوت عبدالله اهواز در اعتراض به معوقات مزدی و وضع بد معیشتی خود تجمع کردند. این کارگران در رابطه با این موضوع بارها تجمع و اعتراض داشته‌اند.

- بنا بر خبر منتشر شده در ۱۳ فروردین آیات عیبات جوان ۱۹ ساله، اهل خوزستان مدت سه ماه است که در بازداشت بسر میبرد. اما از ارگان بازداشت کننده و محل نگهداری او هیچ اطلاعی در دست نیست. خانواده‌ی آیات در این مدت بارها به نهادهای قضائی مراجعه کرده‌اند ولی پاسخی دریافت نکرده‌اند.

-روز ۱۳ فروردین یکی از شهروندان در دزفول به دلیل رقص و پایکوبی بازداشت شده و به مکان نامعلومی منتقل شد. گفته می‌شود این بازداشت پس از انتشار



اول مه، جشن توده های عظیم مردم

یاشار سهندی

صدا و سیمای رژیم اسلامی سرمایه، بخشی از کنگره موسوم به "بزرگداشت سعدی" را پخش کرده است. در این بخش، سخنران تا توانسته از خجالت "مسئولان حکومت اسلامی در آمده، البته غیر از خود "نظام" یعنی شخص علی خامنه ای. سخنران با اشاره به بحرانهای گوناگون که مسبب آن را "مسئولان بی تدبیر" میدانند، تاکید میکند آوار مصیبتی که بر سر مردم فرو ریخته با وجود "مسئولان بی کفایت ۴۴ ساله گذشته" هیچ وقت تمامی نخواهد داشت. در انتها بر دیوار پشت سر ایشان در کمال حیرت، تصاویر معترضان و جان باختگان، از مهسا، نیکا و غزاله تا کیان به نمایش گذاشته شد. تصاویر "آسیب دیدگان چشمی" بهمراه تصاویر زنان معترض بدون حجاب روی پرده ظاهر شد، و نیز تصویر دختر مینو مجیدی که موهای بریده شده در دستانش به همراه تصویر مادر جان باخته اش، یا تصویر فرشته احمدی؛ همه اینها نه مانند همیشه جهت تخریب و تحقیر، بلکه به روایت سخنران جهت یادآوری این موضوع است که "مردم سرفراز ایران" سزاوار این وضعیت نیستند. بی شک این نمایشی از تزویر و ریاکاری رسانه رسمی جمهوری اسلامی است که یکی از ابزارهای مهم سرکوب بوده و هست.

همزمان در نوروز ۱۴۰۳ که بی شک نوروزی تاریخی شد، همه جا، بخصوص در کردستان مرد و زن به صورت جمعیت انبوه گرد هم آمدند و به رقص و پایکوبی مشغول شدند. و مردم در سراسر ایران هر گذری را به محلی برای رقص و شادمانی تبدیل کردند. در روزی که جمهوری اسلامی فرق شکافته علی را سند محق بودن خود در تاریخ میدانند، مردم با روزه خواری و جشن و شادی برای زنده شدن طبیعت، راه قبرستان را به جمهوری اسلامی نشان دادند. جمهوری اسلامی ناتوان تر از همیشه شاهد مرگ خود در شادمانی کردن مردم بود. جمهوری اسلامی با خشونت بی حد و مرز و با بیرحمی و سبعت و وحشیانه همیشه در صدد این بوده که ثابت کند یک قدم هم کوتاه نمی آید؛ و ظاهرا توانسته است اعتراضات را فرونشاند، اما این واقعا ظاهر ماجرا است.

انقلاب زن زندگی آزادی بروز خیابانی ندارد، اما تا همینجا چنان حکومت اسلامی سرمایه را تحت فشار گذاشته است که مجبور شده در رسانه رسمی خود ساز دیگری را کوک کند تا شاید جلو سونامی انقلاب را بگیرد. پخش سخنرانی فوق تنها یکی از بروازات ضعف و ناتوانی حکومت است. کمتر از یکماه به اول مه مانده است، و در همچین شرایطی باید خود را آماده این روز کنیم.

روز اول مه با خواسته ۸ ساعت کار در روز شکل گرفت. این خواسته به ظاهر صنفی اما در واقع در پی آسایش و رفاه همگانی بوده است. بیاد بیاوریم که بی بی سی جهانی در دوستمین سالگرد تولد مارکس همه خواسته های رفاهی کنونی را نتیجه دستاورد مارکس دانست. اول ماه مه یکی از مهمترین روزهایی است که میتوان بر دستاوردهای طبقه کارگر و کمونیسم تاکید کرد. النور مارکس، دختر کارل مارکس در اولین ماه مه در سال ۱۸۹۰ در یک سخنرانی کوتاه در هاید پارک لندن "به عنوان یک سوسیالیست" چنین گفته است: "سوسیالیست ها معتقدند که اولین و مهم ترین قدمی که باید برداشته شود، مطالبه ی هشت ساعت کار در روز است، ... این پایان کار نیست بلکه آغاز مبارزه است؛ ... باید مردان و به ویژه زنانی را که می بینیم برای پیوستن به مبارزه ی مشترکمان آماده کنیم."

در ایران امروز با وجود مردان و به ویژه زنانی که در میدان مبارزه هستند، باید دایره محدودی که دور این روز کشیده شده است در هم بشکنیم و نشان دهیم روز اول مه روزی منحصر برای خواسته های رفاهی کارگران نیست. باید مانند النور مارکس در مقیاس با "تجمع دیگری"، وقتی با انبوه جمعیت روبرو شده اینگونه ابراز خوشحالی

میکند: "اما من خوشحالم که می بینم توده های عظیمی از مردم در طرف ما هستند" کاری کنیم که آرمان جنبش طبقه کارگر به خواست و آرمان "توده های عظیم مردم" تبدیل شود.

سال گذشته "شخصیتهای آکادمیک" در اپوزیسیون، "طبقه متوسط" ساخته و پرداخته ذهن شان را به کناری نهادند و از "عاملیت طبقه کارگر در تحولات اجتماعی ایران" گفتند و امسال میتوان حتی حکومت را وادار کرد که بار دیگر خدا را به دست بوسی کارگر بفرستد، وقتی که شاهد توان طبقه کارگر برای رهبری انقلاب باشد.

گفته اند اول مه "عید کارگران است" و "جشن کارگری" است. این بیش از آنکه چیزی بر اهمیت این روز بیفزاید بیشتر بر ایزوله کردن کارگران از بقیه جامعه تاکید دارد. باید روز اول مه به روزی تبدیل شود که کل جامعه آنرا گرمی بدارد و اهمیت آنرا درک کند و جشن بگیرد. جامعه ایران تشنه آزادی و شادی است، و برای داشتن آن باید اتحاد جامعه اسیر یک لقمه نان نباشند. روز اول مه باید به کل جامعه نشان دهد تنها جنبش کارگران، یعنی کمونیسم کارگری میتواند آنرا محقق و تضمین کند.

باید تصویر دیگری از اول مه را عیان ساخت که از ۸ ساعت کار در هفته تا رفع هر گونه تبعیض، تا برابری کامل زن و مرد، تا لغو اعدام، تا آزادی بی قید و شرط سیاسی، تا رفاه همگانی، تا لغو کار مزدی،... و تا توان خندیدن به وسعت دل را شامل میشود. روز اول مه باید به جشن توده های عظیم مردم تبدیل شود و این در یک صورت ممکن است که نشان داد که طبقه کارگر تنها در پی رهایی خود نیست، بلکه هدفش رهایی کل جامعه است.

از خوزستان خبر می رسد...

از صفحه ۷

جنگی، ایراد خسارت عمده به تمامیت جسمانی منتج به جان باختن هفت نفر و تشکیل گروه باغی.

مرکز رسانه قوه قضاییه در خصوص عباس (مجاهد) کورکوری، شهروند زندانی محبوس در زندان شیپان اهواز، مدعی است که آقای کورکوری متهم به قتل کیان پیرفلک، کودک جان باخته در جریان اعتراضات سراسری ۱۴۰۱ است. این درحالیست که خانواده پیرفلک از جمله زینب مولایی راد، مادر این کودک بارها این ادعا را رد کرده و اظهار داشته که فرزند او در پی تیراندازی نیروهای وابسته به حکومت، جان خود را از دست داده است. عباس کورکوری باید فوراً آزاد و حکم اعدام او لغو شود. به نجات جان عباس کورکوری بشتابیم - شمار دیگری از زندانیان که کمتر نامی از آنها برده شده عبارتند از: غلامحسین کلی، متولد ۱۳۳۸ اهل ماهشهر. او ۲۴ سال است که بدون یک روز مرخصی در زندانهای مختلف ایران محبوس است. و از سال ۱۳۹۴ در زندان شیپان اهواز محبوس است. رضا عرب پور از بازداشت شدگان انقلاب در ایذه است که بدون محاکمه و بلا تکلیف در زندان شیپان به سر می برد. بیش از شانزده ماه از بازداشت رضا عرب پور، شهروند ایذه ای، در زندان شیپان اهواز می گذرد و او هنوز بلا تکلیف است.

کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری، واحد خوزستان



مهاجرت و سودای زندگی بهتر کارگر کارگاهی - حمید دائمی

موج گسترده مهاجرت در سال های اخیر نشانی از وضع اسفناک معیشت زندگی در ایران است. این پدیده بیش از هر چیز بیانگر بحران عمیق در مناسبات تولیدی و به همین نسبت، در جریان توزیع ثروت و خدمات در جامعه است. گسترش روز افزون فقر و گرانی ضروریات معیشتی و عدم دسترسی نیروی کار به حداقل های لازم برای زندگی بدلیل دستمزدهای چند برابر زیر خط فقر، نتایج بحرانی است که دامنگیر جامعه است. از این رو مهاجرت، بعنوان یکی از آخرین ابزارهای دفاعی طبقه مزدبگیر و مردم برای بقاء و زیستن است.

آنچه در اخبار و گزارش ها انتشار می یابد، بیشتر مربوط به مهاجرت اقشار تحصیل کرده و متخصص دانشگاهی نظیر پزشکان (عمومی و دارای تخصص)، پرستاران، دانشجویان با لیبیل نخبگان مطرح می شود. در این میان اما آمار و اخبار مهاجرت کارگران و متخصصان عرصه صنعت و تولید کمتر بچشم می خورد. شاید این موضوع غیر عمد بنظر برسد. اما با دقت بیشتر می توان نوعی ضریب برای این موضوع بدست آورد.

مهاجرت نیروی کار دو جریان اصلی دارد که مهاجرت در داخل کشور و یا به خارج از کشور است. مهاجرت داخلی از دو بخش عمده تشکیل می شود یکی جابجایی نیروی روستا به شهر که از شهرها به مراکز اصلی و مهم کار مثل مراکز استان ها و شهرک های صنعتی صورت میگیرد. بخش دیگر مهاجرت بین رشته ای کار مثل مهاجرت از بخش های فنی و صنعتی به بخش های خدماتی و غیره است. بخشی از این جابجایی نیرو محدود، موقت و فصلی است و بخش مهمی از آن همیشگی است. بررسی این موضوع از اهمیت ویژه ای برخوردار است؛ بواسطه اثراتی که در جریان تولید و نیز توازن نیروی کار داراست و البته نیاز به کار تحقیقی گسترده و بیشتری دارد. ما در این نوشته نگاهی گذرا و طرح موضوع مهاجرت نیروی کار به خارج از زیستگاه خود را داریم.

مهم ترین علتی که در گروه های مهاجرین به خارج از کشور مشهود است، پایین بودن دستمزدها و استثمار شدید در عرصه های مختلف کار است. تفاوت حداقل مزد نیروی کار ساده در کشورهای همسایه حدود ۳ تا ۵ برابر حداقل دستمزد در ایران است یعنی رقمی بین ۲۵ تا ۳۵ میلیون تومان. این مبلغ برای نیروی کار حرفه ای صنعتی و خدماتی (درمان و غیره) گاه تا ۱۰ برابر مزد در ایران است. ساعات کار طولانی و طاقت فرسا، فشار کار، مقررات خشن و خشونت ها و بی پررسی های صاحبان کار و مشکلات محیطی کارگاه ها و کارخانه ها از علت های اصلی و تأثیر گذار بر نیروی شاغل برای مهاجرت است.

نا امنی محیط کار و فقدان استانداردهای لازم برای حفظ سلامتی و امنیت، عدم تأمین اجتماعی و پوشش های بیمه ای و خدماتی یکی دیگر از دلایلی است که کارگران و متخصصان رشته های مختلف کار را مجبور به مهاجرت می کند.

یأس و نا امیدی حاصل از فشار کار و ناتوانی در حل مسائل و مشکلات با کارفرما و مسئولین کار؛ استیصال، بی افقی و تنگناهای ناشی از بحران های اقتصادی اعم از گرانی و تورم افسار گسیخته که قدرت و توان زندگی معمولی را از مزدبگیران سلب کرده و فقر را عمیق تر می کند، از دیگر دلایل بسیار مهم این پدیده است.

اینکه شرایط کار در بسیاری از کشورهای مقصد مهاجرت چندان دهن سوز نیست و امکانات و شرایط گاه بدتری دارد شکی در آن نیست. عدم تأمین اجتماعی، مسکن و تغذیه نامناسب، خدمات درمانی و بهداشتی نازل و دیگر مواردی که لایق هیچ انسانی نیست، تنها چیزی که نیروی کار را ترغیب یا بهتر است بگوییم،

وادر می کند که تن به این شرایط دهد، تفاوت چشم گیر دستمزد است. در باره شرایط کار و حوادث آن برای نیروی کار مهاجر در کشورهای همسایه در نوشته ای دیگر خواهیم پرداخت.

وارد شدن سالیانه نزدیک به یک میلیون نیرو به بازار کار، و فقدان بستر لازم برای بکارگیری این نیرو از دلایل بسیار مهم در توازن قوا و قدرت چانه زنی کارگران برای دستیابی به مزد و مزایای شغلی است. از طرفی تفاوت دستمزدها که گاهی تا ۱۰ برابر دستمزد کنونی است که دریافت می کنند، مهاجرت را به راهی دم دستی برای برون رفت از این شرایط رقت بار زندگی بدل کرده است. در گذشته مهاجرت به کشورهای صنعتی متمول نظیر ژاپن یا اروپا برای نیروی کار ایرانی جا افتاده بود. اما اخیرا مهاجرت به کشورهای نظیر عراق، قطر، عمان و حتی ارمنستان جایگزین نقاط دور دست شده است. غیر از اینکه تفاوت دریافتی با داخل قابل توجه است - که البته به این معنی نیست که این رقم کافی باشد - در ثانی هزینه رسیدن به کشورهای همسایه پایین تر و مسافت دسترسی کمتر است که این خود مزیتی برای نیروی کار فنی و متخصص فراهم می کند. گرچه این ویژگی خیلی برای پزشکان و متخصصان درمان و پرستاران دندانگیر نیست و در اروپا و آمریکا و کانادا شرایط بر مراتب بهتری برای این بخش از نیروی کار فراهم است.

در حقیقت فشرده تر شدن صفوف نیروی بیکار جامعه که فرصت سوءاستفاده به کارفرماها را فراهم می کند؛ به همان درجه انرژی و توان نیروی کار را کاهش می دهد. بخصوص در شرایطی که نه قوانین و ضوابط کار به نفع و در جهت مصالح کارگران است و نه ابزار لازم برای مقابله با این بی حقوقی و استثمار کارگران موجود است.

دستیابی به حقوقی نظیر تأمین حقوق مکفی (به نسبت تأمین یک زندگی استاندارد و انسانی) برای همه شاغلین، تأمین و حمایت همه جانبه از همه افراد واجد شرایط کار تا یافتن شغل مناسب و حق اعتراض و دخالت در تعیین مزد، ساعت کار، مزایای شغلی از جمله حق مسکن و بهداشت و درمان رایگان و تخصیص حق تحصیل و تأمین فرزندان برای ممانعت از کار کودکان و دیگر مطالبات شغلی از طریق مبارزات متحدانه ما کارگران ممکن است. مجامع عمومی کارگری و تصمیم گیری شورایی و متحد، سازمانیابی در تمام عرصه های مبارزه مسیر این نبرد را هموار تر میکنند.

با اینکه با شروع "انقلاب زن زندگی آزادی"، شور و شوق جامعه برای تغییر وضعیت موجود دوچندان شده و تقریبا تمامی بخش های جامعه به کمتر از انقلاب از طریق سرنگونی کل بساط جمهوری کثیف سرمایه قانع نیستند؛ اما راه کار موقت مهاجرت نیروی کار کماکان بدلائل پیش گفته وجود دارد. متأسفانه بخش مهمی از کارگران؛ با وجود شرایط سخت و غیر انسانی کار و رنج بسیار در کشورهای همسایه، بدنبال زندگی "بهتر" (که البته این خود جای بررسی دقیق تری دارد) بار سفر می بندند.

آزادشان کنید!

FREE THEM NOW

FREE ALL JAILED TEACHERS IN IRAN

FREE ALL JAILED WORKERS AND TEACHERS IN IRAN

CAMPAIGN TO FREE JAILED WORKERS IN IRAN

ISLAMIC REGIME OF IRAN OUT OF ILO

از کارگران و معلمان زندانی وسیعاً حمایت کنیم

اخباری از کارگران زندانی و کارزارها

- نانومی کولر، از اعضای اتحادیه معلمان در فرانسه در مورد خواهرش سیسیل کولر که در جریان پرونده سازی کذایی جمهوری اسلامی تحت عنوان جاسوسی همراه با همسرش ژاک پاری در اردیبهشت ۱۴۰۱ بازداشت شد، خواهان فشار به جمهوری اسلامی برای آزادی آنها شده است. او در گفتگویی با روزنامه کاردین میگوید که از زمان بازداشت خواهرش اطلاع چندانی از وی ندارد. نانومی کولر گفته است دیدن اعترافات اجباری خواهرم بدترین روز زندگی ام بود. در پرونده بازداشت سیسیل کولر و ژاک پاری شماری از معلمان و فعالین کارگری و اجتماعی دیگر نیز دستگیر شدند که تعدادی از آنها به اسامی رسول بدایعی، رضا شهبانی، حسن سعیدی، کیوان مهتدی، آتش اسداللهی، همچنان در بازداشت بسر میبرند. سیسیل کولر و ژاک پاری، معلمان زندانی، کارگران دربند و همه زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند.

- سه معلم خوزستانی به اسامی پیروز نامی، سیامک صادقی چهارزی و علی کروشانی برای ۲۶ فروردین به دادگاه انقلاب اهواز احضار شدند. این فعالین از سال ۱۴۰۰ چندین نوبت با پرونده سازی های اطلاعات سپاه بازداشت شده و هر بار با پرونده جدید قضایی مواجه شده‌اند. همچنین به رغم دستور قضایی حکومتی وسایل ارتباطی آنها که در زمان بازداشت توقیف شده به آنان مسترد نشده است. شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ضمن انتشار این خبر و حمایت خود از اعضای کانون صنفی معلمان خوزستان تاکید کرد که پرونده سازی های نهادهای امنیتی هرگز نمی تواند مانع تشکل یابی و اعتراضات مردم و معلمان باشد. و تا زمانی که مطالبات انسانی معترضان تامین نشود اعتراضات گسترده تری در پیش خواهد بود

- عزیزقاسم زاده، از معلمان معترض در گیلان، با پایان ایام مرخصی خود به زندان لاکان رشت بازگردانده شد. او در اواخر اسفندماه سال گذشته به مرخصی اعزام شده بود. با وجود وخامت بیماری پروستات، دادستان و قاضی ناظر بر زندان لاکان رشت با تمدید مرخصی درمانی وی مخالفت کردند. قاسم زاده در ۲۹ مرداد ۱۴۰۲ به یک سال حبس محکوم شد. حکم دیگر او به اتهام «تبلیغ علیه نظام» انفصال دائم از مشاغل دولتی است. عزیز قاسم زاده باید فوراً آزاد شود، پرونده قضایی او مسدود و به سر کار خود باز گردد.

- سپیده قلیان زندانی سیاسی شجاع و محبوب مردمی از پانزدهم فروردین با خواست انتقال خود از زندان اوین به زندان محل سکونتش در اهواز در اعتصاب غذا بسر میبرد. سپیده قلیان در زندان نیز صدای آزادیخواهی است. از اعتراض و خواستهایش باید وسیعاً حمایت کرد.

- لوکاس هامر نماینده پارلمان اتریش و کفیل عباس دریس کارگر محکوم به اعدام و از بازداشت شدگان خیزش مردمی سال ۹۸ و از شاهدین کشتار حکومت در نزارهای ماهشهر با نوشتن دو نامه اعتراضی خواهان آزادی عباس دریس شده است. او به سفارت جمهوری اسلامی ایران در وین رفته است و می گوید عباس دریس جرمی مرتکب نشده است و باید آزاد شود.

- محمد صادقی، معلم بازنشسته پس از مراجعه به شعبه اجرای احکام دادسرای عمومی و انقلاب اراک بازداشت و برای محکومیت یک سال حبس خود به زندان این شهر منتقل شد. اما پس از ساعاتی حضور در زندان، به او اطلاع داده شد که اجرای حکم وی به تعویق افتاده و میتواند تا اطلاع ثانوی محل زندان را ترک کند.

- راحله راهمی پور، بازنشسته تامین اجتماعی و از خانواده های دادخواه دهه ۶۰ و زندانی در اوین به رغم وضعیت نامساعد جسمی به دلیل خودداری از پوشیدن

حجاب اجباری، از رسیدگی لازم پزشکی و اعزام به بیمارستان محروم شده است.

- در ادامه فشار و سرکوب معلمان، سکینه ملکی از معلمان استان گیلان شهرستان (بندرانزلی) که بیشتر با رای هیات رسیدگی به تخلفات اداری به بازنشستگی پیش از موعد و دو گروه تقلیل محکوم شده بود، در شانزدهم فروردین پس از ۲۸ سال خدمت برای آموزش و پرورش با رای تجدید نظر هیات تخلفات با حکم اخراج مواجه شد. همچنین در بیستم فروردین معلم دیگری به اسم سلمان موسوی در استان لرستان به انفصال از خدمت محکوم گردید. آموزش و پرورش، سلمان موسوی را با اتهاماتی همچون انتقاد و اعتراض به خامنه‌ای و تبلیغ علیه جمهوری اسلامی، از کار اخراج و حقوق و مزایای وی را قطع کرده است. پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات با خواست مشخص بسته شدن پرونده های امنیتی تشکیل شده برای معلمان و فعالین سیاسی و آزادی همه معلمان زندانی و لغو احکام اخراج و تبعید معترضین یک کارزار مهم معلمان است. وسیعاً به این کارزار پیوندیم و از مطالبات معلمان پشتیبانی کنیم.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

۲۰ فروردین ۱۴۰۳، ۷ آپریل ۲۰۲۴

Shahla.daneshfar2@gmail.com

از صفحه ۹

مهاجرت و سودای زندگی بهتر...

یکی از اهرم های مهم برای جلوگیری از تضییع حقوق نیروی کار، وجود تشکل ها و نهادهای کارگری برای مقابله با تعرضات کارفرما و دولت به مزدبگیران است. در فقدان چنین ابزارهایی، مبرم ترین کار ایجاد شوراهای کارگری و برگزاری مجامع عمومی جهت تصمیم گیری متحدانه مسائل حقوقی در محیط کار است. این امر از دست پیشروان کارگری در کارگاه ها و کارخانه ها بر می آید و میتواند با راه اندازی این شوراهای همبازار قابل توجهی از مشکلات و مسائل روزمره در محیط کار کاست. گام بعدی ارتباط با دیگر محیط های کارگری و طرح همکاری و اتحاد با دیگر تشکل ها و شوراهای، امر دفاع از حقوق مزدبگیران را ساده تر می کند. در عرصه میدانی نیز تاکید من بر اتحاد شاغل و بازنشسته است که امروز به یک گفتمان داغ در جنبش کارگری تبدیل شده است.

دهمین هفته سه شبه های اعتراض علیه اعدام

شهلا دانشفر



سه شبه های اعتراض علیه اعدامها در نهم بهمن جرقه اش زده شد. تاکید زندانیان سیاسی معترض به اعدامها بر اتحاد و عمل جمعی برای توقف ماشین اعدامها بدون عقیده، ملیت، قومیت، مذهب و نوع اتهام محکومان و ادامه اعتراض تا تحقق این هدف تاکید نموده اند.

علاوه بر سه شبه های اعتراض علیه اعدام که ستون اصلی آن زندانیان سیاسی هستند، خانواده های دادخواه ستون قدرتمند دیگری در اعتراض علیه اعدامها و برای دادخواهی است. از جمله در این هفته در دوازدهم فروردین ماه مادر دادخواه عادل کیانپور در سفری به ماهشهر با مادر و فرزندان عباس دریس کارگر زندانی دیدار و با آنان اعلام همبستگی کرد. عباس دریس از بازداشت شدگان خیزش مردمی ۹۸ و تنها شاهد کشتار حکومت در نزارهای ماهشهر است که خطر اعدام او را تهدید میکنند. این دیدار شکلی از مقابله با اعدامها و اعلام حمایت با محکومین به اعدام است. این اقدام الگوی جالبی از همبستگی و حمایت از محکومین به اعدام و خانواده هایشان است. این الگو را میشود در سطح سراسری تکثیر کرد. نمونه دیگر از همین دست همبستگی ها حضور پدر و مادر حدیث نجفی از قربانیان انقلاب زن زندگی آزادی در نوزدهم فروردین ماه بر سر مزار تعدادی از جانباختگان انقلاب و کسانی که است که بدست حکومت اعدام شدند. پدر و مادر حدیث نجفی با حضور خود بر مزار محمد قبادلو، محسن شکاری که بدست حکومت اعدام شدند و نیز بر مزار حمیدرضا روحی، یلدا آفاضلی، سارینا اسماعیلزاده، حدیث نجفی نماد بارزی از ابعاد اجتماعی اعتراض علیه اعدام و جنبش دادخواهی را به نمایش گذاشتند.

۱۴ فروردین، دهمین هفته سه شبه های اعتراضی و دومین حرکت اعتراضی زندانیان سیاسی در سال ۱۴۰۳ بود. در این حرکت اعتراضی زندانیان از زندانهای قزلحصار، خرمآباد، مشهد، سقز، نقده، مرکزی کرج، خوی و بندهای ۴ و ۶ و ۸ و بند زنان اوین دست به اعتصاب غذا زدند. در این هفته زندانیان سیاسی با گفته "سالی که نکوست از بهارش پیداست" اعتراض خود را به حکم اعدام شهریار بیات اعلام کردند. شهریار بیات در مهرماه ۱۴۰۱ در جریان انقلاب زن زندگی آزادی توسط نیروهای امنیتی در منزل خود در شهریار بازداشت شده بود.

بنا بر گزارشات منتشر شده هم اکنون در زندان قزلحصار و سایر زندانها هزاران زندانی در انتظار اجرای حکم هستند. تنها در ۲ زندان لاکان رشت و زنجان نزدیک به ۳۴۰ زندانی در صف اعدام قرار دارند. همچنین نزدیک به ۵۰ زندانی سیاسی در زندان های ایران در معرض خطر اعدام قرار دارند. ضمن اینکه بخش بزرگی از احکام اعدام مربوط به محکومین مواد مخدري است و قربانیان اصلی این اعدامها بخش های ضعیف جامعه هستند که در نقاط مختلف کشور و از جمله مناطق محرومی نظیر بلوچستان با فقر و ناداری دست و پنجه نرم می کنند. کسانی که برای تامین زندگی خود و یا تحمل دشواری های زندگی به اعتیاد و یا توزیع مواد مخدر کشیده می شوند.

در برابر حکومت کشتار و اعدام در ایران جنبشی قدرتمند شکل گرفته است. بویژه امروز با توجه به گسترش اعدامها از سوی حکومت به قصد عقب زدن فضای انقلابی جامعه، این جنبش ابعادی اجتماعی تر پیدا کرده است. کارزار جهانی که یکسر آن در ایران و در زندانها و سر دیگرش در سطح جهان است. از جمله یک کانون مهم این کارزار زندانیان سیاسی در زندانها و سه شبه های اعتراضی علیه اعدامهاست. ضمن اینکه بدلیل اعدامهای گسترده از محکومین مواد مخدري که دستاویزی برای حکومت برای ارباب جامعه است، در کارزار جهانی علیه اعدام اقدامات اعتراضی عاجلی با فوکوس مشخص بر روی همین بخش جامعه در دستور قرار گرفته است.

تجمع بازنشستگان مخابرات در چند شهر، پرستاران در شیراز و لامرد و کشاورزان در اصفهان



امروز بیستم فروردین بازنشستگان مخابرات در ادامه اعتراضات خود، اولین تجمعات دوشنبه های اعتراضی خود در سال ۱۴۰۳ را در شهرهای مختلف بر پا کردند. این تجمعات در این روز در شهرهایی چون تبریز، اراک، اردبیل، مریوان، کرمانشاه، بندرعباس، اهواز، رشت، تهران، ارومیه و سنندج برپا شدند.

بازنشستگان در کرمانشاه از جمله شعار میدادند: "مشکل ما این زمان، معیشت است و درمان". درمان رایگان یکی از خواسته های مهم بازنشستگان است که در بنرهای اعتراضی آنها و در شعارهایشان بازتاب دارد.

اعتراض بازنشستگان مخابرات همانند دیگر بخش های بازنشسته به فقر و گرانی و بی تمانی و عدم پاسخگویی به خواسته های آنهاست. این بازنشستگان همچنین به اجرا نشدن آیین نامه ی استخدامی ۱۳۸۹ که اجرای آن میتواند بهبودی در دریافتی آنها ایجاد کند، و نیز به چپاولگریهای سهامداران عمده شرکت اعتراض دارند. این سهام در تملک نهادهایی نظیر "ستاد اجرایی فرمان امام" و "بنیاد تعاون سپاه پاسداران" قرار دارد.

در این روز همچنین پرستاران شیراز، در اعتراض به سطح نازل حقوقها، تبعیض در پرداخت تعرفه ها و کارانه ها، اضافه کاری های اجباری و فشار سنگین کاری و

حزب کمونیست کارگری ایران - ۲۰ فروردین ۱۴۰۳، ۸ آوریل ۲۰۲۴



خبر اعتراضی دیگر در این روز مربوط به تجمع کارگران شهرداری کورت عبدالله در اهواز بخاطر تعویق پرداخت دستمزدها و وضع بد معیشتی شان است. در رابطه با این موضوع این کارگران بارها تجمع و اعتراض داشته اند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۴ فروردین ۱۴۰۳، ۲ آپریل ۲۰۲۴

راهپیمایی کشاورزان شرق اصفهان، تجمع کارگران رسمی نفت مرکزی و شهرداری کورت عبدالله اهواز

امروز ۱۴ فروردین جمعیت بزرگی از کشاورزان شرق اصفهان تجمع کرده و دست به راهپیمایی زدند و علیه مسئولین شعار دادند. این تجمع در سد ابشار در اصفهان صورت گرفت و کشاورزان به وضعیت ناجور معیشتی خود و مشکلات کشت بخاطر مافیای آب اعتراض کردند و خواست خود برای دریافت حقاچه کافی را مورد تاکید قرار دادند. قبل از آن نیز در همین رابطه کشاورزان در ورزنه اصفهان تجمع و اعتراض کردند. در ورزنه در این استان کشاورزان با تراکتورهایشان در اعتراض شرکت کردند و دست به تجمع زدند. کشاورزان اصفهان در رابطه با این موضوع چندین سال است که اعتراضات گسترده ای داشته اند.

امروز همچنین کارگران رسمی نفت مرکزی در اعتراض به سقف نازل حقوقها شبانه با سردادن شعار "ما می توانیم" و با گفتن اینکه وزارت نفت تخصص بین المللی میخواهد اما نه تنها در مقیاس بین المللی حقوق نمی پردازد بلکه حتی با محدودیت سقف حقوق به قوانین وضع شده خود نیز عمل نمیکند و از سفره معیشت کارگران می دزد، صدای اعتراض خود را بلند کردند.

رکوردشکنی دلار، شکستن کمر مردم - کیوان جاوید

رکوردشکنی قیمت ارز در بازار ایران؛ دلار از ۶۵ هزار و ۳۰۰ تومان گذشت، یورو به مرز ۷۱ هزار تومان رسید.

هم‌زمان با حمله اسرائیل به کنسولگری جمهوری اسلامی در دمشق و کشته شدن چندین فرمانده ارشد رژیم، رکوردشکنی دلار در بازار مالی جمهوری اسلامی سیر بسیار شتابان تری پیدا کرده است. باین حال پیش‌ازین بحران سیاسی نیز، ریال در طول سال‌های اخیر ارزش خود را بیش‌ازپیش از دست داده است.

در فرهنگ عامه وقتی شرایط بغرنج یا وضعیت نابسامانی مشاهده شود گفته می‌شود: "خدا به دادمان برسد". البته هیچ‌وقت هم خدا به داد کسی نرسید. درعین حال در شرایط فعلی، مردم یک دلیل اصلی وضعیت فلاکت‌بار فعلی را چمبره زدن حکومت الهی بر زندگی‌شان می‌دانند.

رکورد زدن دلار درحالی که حقوق‌ها ریالی است و قیمت‌ها دلاری، به یک کابوس تمام‌عیار تبدیل می‌شود. در این شرایط، قیمت‌ها به‌سرعت نور اوج می‌گیرد و زندگی‌های بیشتری را فنا می‌کند. در وضعیتی که فقر عمومی دهان باز کرده است و



جان و هستی مردم را همچون هیولای افسانه‌ها می‌گیرد؛ در شرایطی که در کنار فقر کم‌رشدن و غیرقابل مهار، هر جلوه‌ای از زندگی زیر شلاق حکومت اسلامی قرار دارد و در وضعیتی که تمامی راه‌های نفس کشیدن مردم مسدود شده است، سردمداران حکومت اسلامی در مسابقه‌ای نفس‌گیر در حال غارت زندگی مردم و در حال اختلاس‌های نجومی‌اند. در همین شرایط که عمیق‌ترین دره بین فقر و ثروت دهان گشوده است و در ایران بر تعداد میلیاردرها به دلار هر روز افزوده می‌شود و از آن طرف بخش وسیع‌تری از مردم از خط بقا نیز عبور می‌کنند، آری در این اوضاع، ماشین کشتارها و اعدام‌ها در ایران با سرعت سرسام‌آوری به‌پیش می‌راند.

در این شرایط فلاکت‌بار اگر یک انقلاب زیروروکننده در چشم‌انداز نبود و فضای جامعه برای سرنگونی بیش از همیشه مهیاتر نبود، به‌راستی زندگی دهشتناک می‌نمود. در این شرایط که جمهوری اسلامی در اوج ذلت سیاسی و اقتصادی دست‌وپا می‌زند و بحران‌های همه‌جانبه داخلی و بین‌المللی نفس این رژیم را به شماره انداخته است، یک امید مردم را به آینده خوش‌بین می‌کند. امید به اعتراضات متحدانه و سراسری و امید به اینکه می‌توان و باید همه دست‌به‌دست هم بدهند و ریشه این فساد را برکنند تا به آزادی و رفاه برسند. آن روز می‌رسد و ما مردم بی‌وقفه برای ساختن این روز تلاش می‌کنیم.

مندرج در ژورنال شماره ۶۹۸-

